

برای فتح کربلا

نه خواستند بدانند نه توانستند بفهمند

و.ولادیمیروف. ترجمه م.ف
مجله عصر جدید شماره ۳۳ - اوت ۱۹۸۳

رفقای گرامی! من نمی دانم آنها که هنوز اندیشه و رویای حمله به ایران و رهائی از چنگال حکومت را در سر دارند، چه تجربه ای از گذشته نه چندان دور جنگ با عراق را به یاد دارند و یا اصلا در آن سالها در سن و سالی مناسب این تجربه اندوزی بوده اند یا خیر. در حکومت نیز، جدا از نسل کم سن و سالی که شده اند بسیج طرفدار جنگ و اتم، نمی دانم از تجربه تلخ خیز برداشتن برای فتح کربلا درسی آموخته شده یا نه. اما من و امثال من آن جنگ و آن تجربه تلخ و شکست خورده را به خاطر داریم و گام های فاجعه ۸ ساله را در حالی می شمردیم که از دست خودمان کاری، حتی در حد صدور یک بیانیه و یا نامه سرگشاده نیز بر نمی آمد. من دوران خدمت وظیفه را می گذراندم و رهبری حزب دوران پر رنج شکنجه و زندان را. نمی خواهم از یورش و زندان بگویم، بلکه می خواهم از نگرانی امروز بگویم.

چند شب پیش، برای گریز از نگرانی های ناشی از خطر جنگی تازه در ایران؛ یادداشت های قدیمی را ورق می زدم و سرم را به آنها گرم کرده بودم. به ترجمه ویراستاری نشده ای برخوردیم که امکان انتشار آن با یورش به حزب وجود نداشت و همراه دیگر یادداشت ها و ترجمه هایم به انبار خانه برده بودم. آن را در واکاوی آن یادداشت ها یکبار دیگر پیدا کردم و چندین بار خواندم. کلمات و جمله بندی هایش را درست کردم و برای شما فرستادم تا منتشر کنید. اگر موافق انتشار آن هستید، هرچه زودتر منتشر کنید، مفیدتر است، زیرا خطری که روز به روز بیشتر احساس می شود، از همان پنجره ای می خواهد وارد شود که پس از ۸ سال جنگ بیهوده از دروازه آن رانده شده بود. امروز، دیگر اتحاد شوروی نیست، صدام حسین هم نیست. عراق اشغال شده است. اسرائیل و امریکا به مواضع مهم و بزرگی در خاورمیانه جنگ انداخته اند. صحنه جدیدی در برابر همه ما قرار دارد، اما پایه های فکری و بینشی ما، همچنان بر مبنای همان نگرشی قرار دارد که در این ترجمه منتشر نشده استوار است. خطر جدی است. مرور توصیه های گذشته، نتایج بی اعتنائی به هشدارها را نشان می دهند و به همین دلیل، دوباره باید آن توصیه ها و هشدارها را خواند و به آینده ای اندیشید که هرگز مباد!

دست شما را می فشارم "م.ف" - تهران

جنگی بخردانه!

سه سال جنگ، پس از اولین تهاجم عراق به ایران ثابت کرد که جنگ جاده ای بن بست است. دو کشور مسلمان در نتیجه کم شدن استخراج و صدور نفت، صدمه به مراکز عمده صنعتی و تلاش جهت کسب منابعی برای مقاصد نظامی خسارت سنگینی را که سر به میلیونها دلار می زند به یکدیگر تحمل می کرده اند. جنگ مانع تکمیل اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در عراق شده است. در ایران نیز اجرای وعده هایی که حاکمیت پس از سرنگونی شاه برای گسترش سطح زندگی مردم می داد ناممکن شده است. در هر دو کشور، علاوه بر نابودی منابع و منافع خود، تلفات سنگین انسانی را به یکدیگر تحمیل کرده اند.

مسائل پیچیده ناشی از جنگ باعث شده تا توجه ایران و عراق از آن خطر اصلی که مردم خاورمیانه با آن روبرو هستند، یعنی سیاست های تجاوزکارانه و دسایس واشنگتن و متحد آن تل آویو منحرف گردد. این خطر که به صورت تهدیدکننده ای گسترش می یابد، اکنون در تجاوز به لبنان، تهدید سوریه و حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، خلیج فارس و اقیانوس هند خود را نشان می دهد.

“انتقام جویی” از عراق متجاوز، سیاست جنگ طلبی را در ایران تقویت کرده است. این هجوم همچنین پیش درآمدی شد برای سرکوب افسار گسیخته و ناعادلانه میهن پرستان ایران و از جمله اعضای حزب توده ایران. عملیات سرکوبگرانه علیه کمونیست ها که با هدف نابودی جسمانی آنها انجام گرفت، در واشنگتن با خشنودی تلقی گردید و حتی بعضی از مقامات رسمی آمریکا را واداشت تا پیشنهاد کنند “زمان فراموش کردن اشتباهات کوچک” فرا رسیده است. اشتباهات رهبری ایران در مرحله اول انقلاب ضد شاه، مانند گروگان گیری آمریکائیان در تهران.

به نظر می رسد که محافل معینی در ایران به هیچ وجه مخالف فکر استفاده از آنتی کمونیسم برای پل زدن بر شکاف روابطشان با واشنگتن نیستند. همه تجارب طی این مدت نشان داده است که آنتی کمونیسم همواره با پاسخ مثبت سیاستمداران آمریکائی مواجه شده است.

بیهودگی ادامه جنگ و ضرورت خاتمه بی درنگ آن در بغداد مورد قبول واقع شده است. رهبری عراق برای ایجاد شرایط لازم خاتمه جنگ نیروهایش را در تابستان ۱۹۸۲ از ایران عقب کشید و اعلام داشت که عراق آماده آتش بس و قطع بی درنگ عملیات نظامی است و این نیز دلیل بر آمادگی برای رسیدن به توافق با تهران بر اساس اصل احترام به اصل حاکمیت و تمامیت ارضی برای هر دو کشور و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است.

شورای فرماندهی انقلاب عراق در ۱۰ ژوئن ۱۹۸۲ اعلام داشت که آماده است تا “به مرزهای بین المللی باز گردد.” مرزهایی که با قرارداد الجزایر مشخص شده اند. در این بیانیه همچنین با پیشنهادات صلح با میانجیگری کشورهای غیرمتعهد اسلامی موافقت شده است. در این پیشنهادات، اصول عدم موافقت با استفاده از زور یا تهدید به زور، احترام متقابل به حقوق یکدیگر و حل دعاوی ارضی با شیوه های صلح جویانه قید شده است. هیئت نمایندگی عراق در هفتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در دهلی پیشنهادی را تسلیم نمود که شورای حکمیت با شرکت رئیس کنفرانس و رؤسای کشورهای غیر متعهد تشکیل گردد و هر دو طرف موظف به رعایت آن باشند. عراق موافقت خود را با قطعنامه های شورای امنیت مورخه ۴ اکتبر ۱۹۸۲ و سی و هفتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد دایر بر آتش بس و موافقت نامه صلح آمیز پیرامون جنگ مکررا تاکید کرده است.

پرزیدنت صدام حسین رئیس جمهوری عراق در ژوئن ۱۹۸۳ ابتکارات جدید صلح را به ایران ارائه داد. پیشنهاد شامل موافقت نامه پیرامون متارکه عملیات جنگی در منطقه خلیج فارس بمنظور تضمین آزادی کشتیرانی برای تمام کشورها و جلوگیری از وارد آمدن خسارت به شهرها و روستاها هنگام آتش بس، در طول ماه “رمضان” ماه روزه مسلمانان بود.

وزرای خارجه کویت و امارات متحده عربی قبل از تابستان به دستور شورای همکاری خلیج فارس، جهت آشتی دادن دو کشور درگیر کوشش دیگری را آغاز کردند. وزرا در تهران و بغداد حضور یافتند و با خود پیشنهادات مشخصی پیرامون آتش بس محدود در منطقه خلیج فارس، بمنظور جلوگیری از نشت نفت از چاه های آسیب دیده “نوروز” ایران به آبهای اطراف ارائه دادند. معضل لکه عظیم نفتی که به دستگاههای آب شیرین صدمه می زند و ماهیگیری را مختل می کند، برای کشورهای ساحلی و از آن جمله کویت و سایر کشورهای خلیج اهمیت حیاتی دارد.

اما تهران پیشنهادات کشورهای خلیج فارس را رد کرد و سپس از مذاکره با هیئت کویتی و امارات متحده عربی امتناع ورزید. مقامات رسمی ایران تقاضای خود را پیرامون موافقتنامه

در باره جنگ موکول به قید "مجازات عراق و جبران خسارات مادی وارده توسط بغداد در موافقتنامه" کرده اند. آنها همچنین مدعی اند که عراق بر خلاف گفته اش که نیروهایش را به "مرزهای بین المللی" باز گردانده، هنوز بخشی از خاک ایران را تحت اشغال خود دارد. خاک مورد ادعا مربوط است به منطقه کوچکی با مساحت کل ۳۷۲ کیلومتر مربع که بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر باید در قلمرو عراق قرار گیرد.

اتحاد شوروی از اولین روز جنگ بدون ابهام و باصراحت تمام پیشنهاد پایان جنگ و خصومت را داد و تقاضا کرد مذاکره بین دو طرف بلادرنگ آغاز شود. اکنون نشانه های زیادی وجود دارد که نشان دهنده حسن نیت است، بویژه می توان مانع دفع الوقت توسط جریاناتی شد که تاکنون به حل مسئله بی اعتنا بوده اند.

شالوده های معتبری جهت رفع اختلاف بین ایران و عراق در قوانین بین المللی موجود است. از جمله موافقتنامه ۱۹۷۵ الجزایر که توسط هر دو طرف به رسمیت شناخته شده است. طبق این قرارداد يك خط تعیین حدود در طول رودخانه شط العرب و خط دیگری در مرز خاکی شناخته شده است. طرفین همچنین با بقیه محاسبات مربوط به تعیین حدود و ادامه حسن همجواری موافقت کردند. عراقی ها حین تماس با هیئت میانجی مؤکدا آمادگی خود را برای کار روی توافق صلح آمیز در اساس موافقتنامه اعلام داشته اند. ایرانیان نیز آمادگی خود را در عالیترین سطح برای احترام به موافقتنامه های بین المللی تصدیق کرده اند. همان طور که آیت الله خمینی در ۱۱ فوریه ۱۹۸۱ تاکید کرد که "ما به پیمان های بین المللی احترام می گذاریم و حتی يك وجب ادعای ارضی نسبت به هیچ کشور و از جمله عراق نداریم." آن چه که برای کسب پیشرفت در موافقت لازم است آن است که هر دو طرف حسن نیت نشان داده و واقع بین باشند و برخوردها و سوء تفاهم های گذشته را دور بریزند.

راه توده ۱۲۱ ۰۲،۰۵،۰۷،۲۰۰۷